

معرفی و نقد کتاب:

غریبه‌های آشنا

کتاب غریبه‌های آشنا اثر دکتر ابرهیم خدایار که در سال ۱۳۸۴ از سوی مؤسسه مطالعات ملی در ۳۳۰ صفحه و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است، مشتمل بر چهار فصل می‌باشد. در فصل نخست به چشم‌انداز جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر پرداخته شده و فصل دوم به نقد و بررسی جریان‌های فرهنگی، ادبی و اجتماعی در ماوراءالنهر در قرن بیستم اختصاص دارد. فصل سوم نیز به محیط ادبی خوارزم و فصل چهارم به محیط ادبی خوقند می‌پردازد. انسجام معنایی، ساختار منطقی، گستردگی حوزه تحقیق و نواندیشی در روش از ویژگی‌های برجسته این اثر محسوب می‌شود.

فصل اول این کتاب که با عنوان «چشم‌انداز جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر» در دو بخش تدوین گردیده است، ابتدا و در بخش نخست به محدوده جغرافیایی ماوراءالنهر و ایالات پنجگانه و در بخش دوم به چشم‌انداز تاریخی، سیاسی، اجتماعی در دوره قبل و بعد از اسلام اختصاص دارد. نویسنده در بخش نخست از فصل اول، ماوراءالنهر را سرزمینی می‌داند که در بین دو رودخانه بزرگ آمودریا و سیر دریا واقع شده و در ضمن به تأثیر مبانی سیاسی و فرهنگی به عنوان دو عامل مهم در تحدید جغرافیای مرزهای آن اشاره می‌نماید. وی همچنین در بخش دوم از فصل اول به جایگاه ماوراءالنهر در قبل و بعد از اسلام از جمله ارتباط ماوراءالنهر با تاریخ ایران باستان اشاراتی دارد؛ چنانکه موطن اصلی زرتشت را از نظر تاریخی با مشرق ایران مرتبط می‌داند و همچنین جایگاه آریایی‌ها در شمال و شرق ایران امروز که بسیاری از علمای بزرگ بر این عقیده‌اند که نژاد آریایی نخستین روزهای زندگی خود را در دامن کوه‌های هندوکش و در کنار رود جیحون و سیحون گذرانیده‌اند. در بررسی اوضاع ماوراءالنهر پس از ورود اسلام به این سرزمین که در سال ۹۰ هـ ق اتفاق افتاده است. نویسنده معتقد است که با تثبیت قدرت فرهنگی اسلام در آن منطقه، مصادف با فرمانروایی سامانیان در سال ۲۷۹ هـ ق این منطقه وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی و فرهنگی خود شد. وی در همین ارتباط ضمن اشاره به دوران سه‌گانه سامانیان از جمله شکل‌گیری و احیاء، تثبیت و اقتدار و تنزل و سقوط، آن عصر را دوران طلایی

فرهنگ و تمدن ایران و ماوراءالنهر را توأم با نوعی رویکرد ژرف به زبان فارسی همراه با نخستین رنسانس علمی و فرهنگی ایرانی و اسلامی می‌داند.

فصل دوم با عنوان «نقد و بررسی جریان‌های فرهنگی، ادبی و اجتماعی در ماوراءالنهر قرن بیست»، مشتمل بر چهار بهره با عناوین: جریان‌های فرهنگی و ادبی، مطبوعات فارسی‌زبان، طریقت‌های عرفانی و میراث شعر فارسی و نیز بیدل‌گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر می‌باشد. نویسنده در بهره نخست به منشاء خارجی کلیه تحولات سیاسی در این منطقه اشاره می‌نماید. بهره دوم به اوضاع مطبوعات فارسی زبان در ماوراءالنهر قرن بیست اختصاص دارد که در آن به معرفی روزنامه‌ها و مجلات و همچنین تاریخ و تعداد شماره‌های آنها پرداخته می‌شود. در بهره سوم طریقت‌های عرفانی و میراث شعر فارسی از جمله طریقت حکیمیه یسویه، کبرویه، قادریه، و نقشبندیه به صورت مشروح توضیح داده می‌شود و در نهایت در بهره پایانی، بیدل‌گرایی در محیط ادبی ماوراءالنهر و نیز تأثیر بیدل در محیط ادبی تاشکند بررسی می‌شود.

فصل سوم با عنوان «محیط ادبی خوارزم»، متشکل از دو بهره است که بهره نخست آن به محیط ادبی، تحولات فرهنگی و اجتماعی و بهره دوم آن به شاعران پارسی‌گوی خوارزم و میراث شعر فارسی آنها می‌پردازد. نویسنده در این فصل همچنین به صورت مبسوط به نقش سید محمدرحیم خان ثانی متخلص به فیروز و متوفی به سال ۱۲۸۹ ه‍.ش در شکل‌دهی محیط ادبی خوارزم در طول حکومت ۴۷ ساله او در خیوه که در واقع عصر جدید فرهنگی و ادبی در آن منطقه به حساب می‌آید، می‌پردازد.

فصل چهارم که در توصیف محیط ادبی خوقند است، شامل دو بهره با عناوین «اوضاع فرهنگی، ادبی و اجتماعی» و نیز «شاعران پارسی‌گوی محیط ادبی خوقند و تاشکند»، می‌باشد. در بهره نخست به فروپاشی محافل ادبی درباری که در نیمه اول قرن نوزدهم به همت امیر شاعر عمرخان خوقندی بنا شده بود و همچنین به ویژگی‌های این شخصیت از جمله مجالست او با علما و فضلا اشاره می‌شود و در همین ارتباط چهار جریان ادبی کلاسیک و سنتی، معارف‌پروری، دمکراتیک و ملی‌گرا و انقلابی در این محیط ادبی معرفی می‌گردد.

نویسنده در بهره دوم به شرح زندگی، اندیشه و آثار شاعران پارسی‌گوی به ویژه محیی‌الدین خوقندی در محیط ادبی خوقند و تاشکند توجه ویژه دارد. این بهره خود به دو بخش «شاعران پارسی‌گوی خوارزم و میراث آنها» و «با کاروان شاعران» تقسیم می‌گردد. محیی‌الدین فرزند محمدرضا آخوندزاده قندهاری متخلص به محیی و مشهور

به حاجی محیی خوقندی متوفی به سال ۱۲۹۰ ه.ش از شاعران طراز اول و ذولسانین محیط ادبی خوقند است. ایشان تنها شاعر در این محیط ادبی است که دیوان مستقل فارسی دارد. شکایت از روزگار و شرارت مردم، درون‌مایه اصلی شعر اوست. میراث شعر او ۳۱۳۳ بیت می‌باشد. محیی‌الدین خود را مسلمان دانسته اما به مذهبش اشاره نکرده و در روزگار او فقه حنفی فقه برگزیده مردم ماوراءالنهر بوده است. ایشان علاقه خاصی به خاندان اهل بیت داشته و دوستی و نزدیکی او با شاعر شیعه‌مذهب نامد نمگانی از تمایلات شیعی او حکایت می‌کند. طریقت عرفانی او قادریه است و اندیشه‌های ملامتی متأثر از حافظ در شعر او به چشم می‌خورد. سبک شعر او برخاسته از سبک شعرای محیط عراق است و بیدل‌گرایی در شعر او نیز محسوس می‌باشد. قالب برگزیده او غزل است؛ ولی از درج مضامین قصیده و قطعه در این قالب ابایی ندارد. مؤلف کتاب او را حافظ کوچک خوقند در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌داند.

نقد شکلی

شکل و ساختار این اثر در نگاه کلی خوب تدوین شده و فصل‌بندی و تبویب منطقی مطالب و همچنین سیر و حرکت آگاهانه مؤلف در چارچوب هر فصل موجب می‌شود تا خواننده با سیر فکری منسجم و معنی‌دار، موضوع را پیگیری نماید و در نهایت به اندیشه واحد و متمرکز در راستای جایگاه زبان و ادبیات فارسی در محیط ادبی ماوراءالنهر دست یابد. نقد و بررسی جریان فرهنگی، ادبی و اجتماعی و نیز تقسیم محیط ادبی ماوراءالنهر به دو حوزه خوارزم و خوقند در فصول دوم، سوم و چهارم، به منظور دستیابی به همین هدف سامان‌دهی شده است. در همین ارتباط شرح زندگی، اندیشه، آثار و سبک شعرای برتر در هر یک از دو حوزه ادبی خوارزم و خوقند و نیز پرهیز از اطناب و عدم پرداختن به بعضی شعرا که تأثیری آنچنانی در شکل‌گیری جریان‌های ادبی ماوراءالنهر نداشته‌اند، شکل و ساختار این اثر را از نوعی سلامت ویژه برخوردار کرده است. شیوه شروع، توضیح و تحلیل هر یک از مقولات مندرج در فصول چهارگانه به گونه‌ای است که قالب کار را تعریف‌شده و بدون حواشی و زوائد نشان می‌دهد و پرهیز از اطناب ممل و ایجاز منحل که البته ضرورت متن و مفهوم آن را اقتضا می‌کرد، در این شکل‌گیری اثربخش نقش داشته است. ساختار سازمان‌یافته متن و نثر روان و تأثیرگذار آن موجب شده که به‌رغم دامنه و گستره مفاهیم اثر، خواننده نه تنها احساس خستگی و ملال نمی‌کند، بلکه شوق او به دانستن بیشتر مضاعف می‌شود. درج و گنجاندن افکار شاعران حوزه ادبی ماوراءالنهر و به تعبیر مؤلف غریبه‌های آشنا

و سامان‌دهی و تکوین آن در این مجموعه، حکایت از این دارد که مؤلف از قبل طرح و چارچوب شکل‌گیری آن را در ذهن خود به تصویر کشیده بود و به نظر نگارنده، به جهت از پیش طراحی‌بودن معماری و ساختار این اثر، طبعاً شکل و فرم آن به زیبایی جلوه می‌نماید و درعین‌حال نوع چاپ، کاغذ، طرح روی جلد و صحافی آن نیز مطلوب می‌باشد. کتاب از منظر ویرایش و رعایت اصول و قواعد زبان فاقد کم‌ترین عیب و ایراد است. شاید یکی از موارد جزئی که در پاراگراف سوم صفحه ۱۳۵ کتاب وجود دارد، در واقع ایراد تایپی است. در این صفحه تذکره مجمع‌الشعراى پیرو فیروزشاهی به صورت مجمع‌الشعراى پیرو فیروزشاهی نوشته شده است و یا اینکه در بحثی با عنوان افساد زبان در صفحه ۱۴۵ کتاب، بیت زیر را شاهد مثال می‌آورد:

به حمدلله شه عالم که آمد سن پیغمبر به شکرانه عطا کرده خزاین‌های سیم و زر

و عنوان می‌نماید که عدم ذکر واژه "به" قبل از کلمه "سن"، از مصادیق افساد زبان است؛ در حالی که به نظر نگارنده این امر ناشی از ضرورت وزن بوده و یا حتی از مصادیق حذف در جمله به حساب می‌آید. لازم است یادآوری نمایم که نگارنده با همه دقتی که به کار گرفته هرگز به نکته‌ای برنخورده است که بتوان به آن به عنوان عیب و ایراد استناد نمود. در هر حال شکل و ساختار کلی اثر به وجه نیک و مطلوب سامان‌دهی شده است.

نقد روشی

روش به کار گرفته شده در این اثر، تحلیلی و توصیفی است و حتی در بعضی مواقع از روش میدانی و مصاحبه با صاحبان فکر و نظر سود جسته است و این روش به صورت مشهود در همه فصول و بهره‌های آن به چشم می‌خورد. شرح همه‌جانبه و گسترده از چشم‌انداز جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر از یک طرف و توصیف جایگاه زبان و ادبیات فارسی در محیط‌های ادبی خوارزم و خوقند و معرفی شعرا و شخصیت هنری و بیان مضامین و سبک شعری هر یک، از طرف دیگر، موجب می‌شود تا این اثر به عنوان منبعی غنی که مبتنی بر رویکرد و نگرشی نوآندیشانه از محیط ادبی ماوراءالنهر در قرن بیستم می‌باشد، در قیاس با سایر آثار دیگر از امتیاز ویژه‌ای برخوردار باشد. از این رو روش مورد اشاره شاید بهترین شیوه برای طرح، تبیین و توضیح چنین مفاهیمی است؛ زیرا فضا و بستر لازم را برای گسترش و تعمیق مطالب فراهم می‌آورد و به تبع آن نویسنده قادر خواهد بود تا با فراغ‌بال به شرح و بسط موضوع بپردازد و نقد دیدگاه دیگران با سهولت بیشتر انجام پذیرد. به‌رغم به کارگیری روش مورد نظر در این اثر، به نظر می‌رسد در اغلب موارد روش توصیفی بر روش تحلیلی

غلبه دارد و عمده توجه مؤلف به توصیف چشم‌اندازهای متنوع و معرفی شعرا معطوف بوده و کمتر به تحلیل و بررسی عوامل رشد و یا علل انحطاط زبان و ادب فارسی در ماوراءالنهر در طول قرن بیستم توجه شده است. شیوه توصیف در فصول و بخش‌های متعدد کتاب نیز متفاوت است. به عنوان مثال نویسنده در فصل‌های سوم و چهارم در توصیف محیط‌های ادبی خوارزم و خوقند، صرفاً به معرفی یکی از شعرای برتر در هر یک از این دو محیط ادبی می‌پردازد. چنانکه در محیط ادبی خوارزم فقط به شرح شخصیت محمدرحیم خان ثانی متخلص به فیروز و در محیط ادبی خوقند صرفاً به شرح زندگی و اندیشه و سبک شعری یکی از شعرای معروف به نام عمرخان خوقندی پرداخته است. البته روش تحلیلی نیز در این اثر به چشم می‌خورد؛ به ویژه در فصل اول در ارتباط با چشم‌انداز سیاسی و اجتماعی ماوراءالنهر و یا در فصل چهارم آنگاه که به چهار جریان ادبی از جمله کلاسیک و سنتی، معارف‌پروری، دموکراتیک و ملی‌گرایی و انقلابی می‌پردازد، غلبه روش تحلیلی بر روش توصیفی کاملاً مشهود است.

نقد محتوایی

تلاش فکری نویسنده در این اثر به گونه‌ای است که نه فقط خواننده با فضایی جدید مرتبط با محیط ادبی ماوراءالنهر آشنا می‌شود، بلکه کیفیت و کمیت سامان‌دهی مضامین طوری ترتیب داده شده که احساس ناب و قرابت لطیفی را در خواننده ایجاد و علاقه و شور و دلدادگی را در او به این سرزمین متبلور می‌کند. از این‌رو مطالعه این اثر نوعی پیوند با گذشته‌های تاریخی و ادبی است و همین امر شوق خواندن را مضاعف می‌نماید. فصول چهارگانه این کتاب از عمق ویژه‌ای برخوردار است تا حدی که تحلیل جایگاه تاریخی، جغرافیایی، ادبی و اجتماعی و نیز شرح حال شعرا، نویسندگان و مترجمان همراه با استنادهای شعری در محیط ادبی ماوراءالنهر، موجبات شناخت و معرفت خواننده را به یکی از خاستگاه‌های اصلی ترویج زبان فارسی فراهم می‌آورد. با این وجود، این نکته نیز قابل ذکر است که مثلاً در محیط ادبی خوارزم به شخصیت هنری شاعری به نام احمد طیبی و در محیط ادبی خوقند به شخصیت هنری شاعری به نام محیی‌الدین خوقندی بیشتر پرداخته شده و به نظر می‌رسد که بعضی‌ها در حاشیه قرار دارند که البته این امر به دلیل عدم تأثیرگذاری آنان در شکل‌گیری جریان‌های ادبی بوده است. محتوای این اثر، هم از منظر نوبودن مطالب آن و هم به دلیل ترسیم چهره و جایگاه ماوراءالنهر در شکل‌گیری جریان‌های فرهنگی و ادبی از گذشته تا حال، قابل تأمل و تحلیل و بررسی است. معرفی جایگاه زبان و ادب فارسی در آن منطقه و شیوه

شاعری و اندیشه هر یک از شعرا به ویژه شاعران تأثیرگذار، در نوع خود در تاریخ ادبیات صدساله اخیر این مملکت کم‌نظیر بوده است؛ چرا که اساساً پس از حمله ویرانگر مغولان، توجه به شعر و ادب ماوراءالنهر و نقش آن در گسترش زبان فارسی در تاریخ ادبیات ما کم‌رنگ جلوه داده شده است. تردیدی نیست که در صدساله اخیر، این جریان پنهان و آشکار ادبی در ماوراءالنهر، شیوه خود را پی گرفت و به‌رغم فشارهای سیاسی به ویژه پس از شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی، همچنان به صورت جریانی خزنده اما پویا به حیات خویش ادامه داده و کتاب‌غریبه‌های آشنا غبارزدایی از این جریان مبارک ادبی است که سال‌ها مورد غفلت واقع شده بود. به همین دلیل نگارنده معتقد است که تألیف آثاری این چنین نوعی خیزش و حرکت نوبی محسوب می‌شود که نه فقط ما را به ماندگاری زبان فارسی امیدوار می‌کند، بلکه پیوندهای ما را در دو حوزه فرهنگ و ادب با سایر ملل هم‌زبان تحکیم می‌بخشد. نکته دیگر در همین بخش، ترسیم حوزه ادبی خوارزم و خوقند و جایگاه زبان فارسی در این اثر است که برای بسیاری از اهل ادب و هنر تا کنون پوشیده مانده بود. در واقع این کتاب حرکت جدیدی را آغاز کرده تا ما به آنچه در اطرافمان می‌گذرد، با دقت و تأمل بیشتری بنگریم و از انحصارگرایی ادبی در جغرافیای طبیعی خود بپرهیزیم و باور کنیم که کسانی دورتر از ما و صرفاً به دلیل تعلقات فرهنگی و مشترکات زبانی، همه همت و تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا بسترهای گسترش و ماندگاری زبان تاریخی و بی‌بدیل فارسی را بدون کوچکترین چشم‌داشتی پاس بدارند. به هر حال در این اثر از منظر محتوا با مفاهیم و شخصیت‌هایی آشنا می‌شویم که در گذشته برای ما بیگانه و غریبه بوده‌اند. این در حالی است که آنها آشنایانی بوده‌اند در غربت. غریبه‌هایی که همواره ساز آشنایی را کوک و نوای خوش هم‌زبانی را زمزمه می‌کردند. نویسنده تمام توان خود را به کار گرفته تا آنچه را که با تلاش و پشتکار فراوان به آن دسترسی پیدا کرده، در این مجموعه گردآوری نماید و چنانچه در بعضی مواقع اطلاعات ارائه‌شده کافی به نظر نمی‌رسد، بی‌شک به توان و شوق و همت نویسنده برنمی‌گردد؛ بلکه آن را باید با محدودیت‌های موجود در حوزه منابع و اطلاعات مرتبط دانست و در نهایت اینکه با همه کاستی‌های موجود، غریبه‌های آشنا ما را با یکی از خوش‌نام‌ترین مناطق این سرزمین کهن و تاریخی که به زیور هنر و ادب آراسته است، آشنا می‌سازد و تلاش صادقانه و همه‌جانبه عشاق زبان و ادب فارسی را به تصویر می‌کشد.

حسین منصوریان سرخگریه

E-mail: ho_Mansoorian@yahoo

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر